

دوباره یخوانیم...

« آنچه که از بیانات ز زینب کبری(س) باقی مانده است و امروز در دسترس ماست، عظمت حرکت ز زینب کبری(س) را نشان می‌دهد. خطبه فراموش‌نشدنی ز زینب کبری(س) در بازار کوفه یک حرف زدن معمولی نیست، اظهارنظر معمولی یک شخصیت بزرگ نیست؛ یک

www.qudsonline.ir
دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۴
۲۴ صفر ۱۴۴۷
۱۸ آگوست ۲۰۲۵
سال سی و هشتم
شماره ۱۰۲۲۰

جواد نوائیان رودسری | دیدار ولادیمیر پوتین و دونالد ترامپ در حالی برگزار شد که طرفین تقریباً در بیشتر رفتارها، واژه‌ها و نشانه‌های میدانی و سیاسی، تاریخ‌را دستمایه عملیات دیپلماتیک قرار داده‌بودند. انتشار تصویری از لاوروف، وزیر خارجه روسیه در بدو ورود به آلاسکا که روی تی شرت سفید رنگش علامت «СССР» (خلاصه‌نام روسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی) چاپ شده‌بود، نشان داد روسیه دست ترامپ را برای نمایش بزرگش در آلاسکا خوانده است؛ انتخاب این سرزمین درواقع به رخ کشاندن هوش سیاسی و اقتصادی آمریکایی‌ها در مقابل روس‌هاست. آلاسکا بین سال‌های ۱۷۳۳ تا ۱۸۶۷ میلادی به مدت ۹۰ سال به‌عنوان «آمریکای روسیه» شناخته‌می‌شد؛ اما روس‌ها در خطبی راهبردی آن را در سال ۱۸۶۷ میلادی و در دوره ریاست‌جمهوری «آندرو جانسون» (هفدهمین رئیس‌جمهور آمریکا) به‌مبلغ ۷/۲ میلیون دلار به آمریکایی‌ها فروختند و به این ترتیب، حسرت تاریخی سنگینی برای خودشان باقی گذاشتند(آمریکایی‌ها پیش از آن در ۱۸۰۳ میلادی، لوئیزیانا را از فرانسوی‌ها خریده بودند). روسیه و بعدها شوروی، عملاً از حضور در قاره آمریکا محروم شدند و این اشتباه، تأثیر قابل توجهی بر روابط دو کشور گذاشت. در کلکسیون وقایع و اسناد روابط سیاسی و دیپلماتیک میان روسیه و آمریکا می‌توان نمونه‌های متعددی در این زمینه یافت؛ اما دست‌کم از ۱۹۴۵ میلادی به این سو، ارتباطات میان دو دولت بیرون از چارچوب روابط حسنه و در گردابی از تقابل و رقابت غوطه‌ور بوده‌است. در این نوشتار، ضمن مرور فرازهای از روابط تاریخی میان روسیه و آمریکا، به بهانه دیدار سران دو دولت در آلاسکا، به بررسی برخی از دستمایه‌های سیاسی برای تحت تأثیر قرار دادن این نشست هم‌می‌پردازیم.

■ **۱۸۰۶ میلادی؛ شروع یک رابطه**

پیشینه روابط آمریکا و روسیه به سال ۱۸۰۶ میلادی بازمی‌گردد، زمانی که تزار روسیه، دولت جدیدالتأسیس آمریکا را به رسمیت شناخت و همین اقدام باب مراودات دیپلماتیک و... را باز کرد. این روابط دست‌کم تا جنگ جهانی اول بر مدار ارتباطات عرفی دولت‌ها دور می‌زد؛ آمریکا هنوز به‌عنوان یک رقیب استعماری شناخته‌نمی‌شد و نزاع روسیه با دولت‌هایی مانند انگلیس و فرانسه در سطحی قرار داشت که اصولاً برای آمریکا جایگاه خاصی در این عرصه قائل نبود. با آغاز جنگ جهانی اول و ورود آمریکا به نبرد که به سنگین‌تر شدن کفه قدرت متفقین و پیروزی آن‌ها در جنگ انجامید، پای آمریکا به حوزه روابط بین‌الملل و تکان‌بوهای منطقه‌ای و جهانی پیش از پیش باز شد. درست در همین زمان بود که انقلاب کمونیستی ۱۹۱۷ میلادی در روسیه اتفاق افتاد و اتحاد جماهیر شوروی بر مرده‌ریگ روسیه تزاری به دنیا آمد؛ حکومتی که نزاعی

تحلیل عظیم از وضع جامعه اسلامی در آن دوره است که با زیباترین کلمات و با عمیق‌ترین و غنی‌ترین مفاهیم در آن شرایط بیان شده است... [می‌فرماید:] ای خدعه‌گرها، ای کسانی که تظاهر کردید! شاید خودتان باور هم کردید که دنباله‌رو اسلام و اهل بیت هستید؛ اما در امتحان این جور کم آوردید، در فتنه این جور کوری نشان دادید.

www.qudsonline.ir
دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۴
۲۴ صفر ۱۴۴۷
۱۸ آگوست ۲۰۲۵
سال سی و هشتم
شماره ۱۰۲۲۰

نشانه‌شناسی گزاره‌های تاریخی پررنگی که در دیدار اخیر پوتین و ترامپ به چشم آمد

جویندگان «تاریخ» در آلاسکا



سخت و سنگین را علیه ساختار سیاسی و اقتصادی غرب به راه انداخت و عملاً دو جبهه متفاوت را به وجود آورد؛ طرفداران نظام سرمایه‌داری و طرفداران نظام مارکسیستی. این موقعیت سبب تشبیت حضور آمریکا در بازی‌های سیاسی بین دو جنگ جهانی شد؛ آن‌ها توانستند با قرار گرفتن در جبهه سرمایه‌داری و استفاده از ظرفیت نظامی و اقتصادی، به زنده‌ای غیرقابل جایگزین در این جبهه تبدیل شوند. پیش از آن، آمریکایی‌ها حدود یک قرن پیش، در دسامبر سال ۱۸۲۳ میلادی با اعلام «اصل مونرو» عملاً به هرگونه ورود اروپاییان به محدوده قاره آمریکا واکنش منفی نشان دادند و با خرید آلاسکا از روسیه که با تلاش‌های «ویلیام سیوارد» وزیر خارجه وقت آمریکا صورت گرفت، نشان دادند در حمایت از این اصل جدی هستند.

■ **قبض و بسط روابط در جنگ جهانی دوم**

روسیه پس از تبدیل شدن به شوروی، نه فقط در حوزه منافع اقتصادی و سیاسی، بلکه در عرصه ایدئولوژیک نیز به مهم‌ترین دشمن آمریکا تبدیل شد. این وضعیت تا جنگ جهانی دوم وجود داشت و حتی زمینه‌ساز اتحاد راهبردی و اولیه استالین و هیتلر شد؛ اتحادی که با جوشیدن دیگ طمع هیتلر و حمله او به خاک روسیه به هم خورد و عملاً سبب جدایی شوروی از دولت‌های محور و پیوستن مسکو به متفقین

«هل فیکم آلا الصّفّف والعجب و الشّنف و الکذب و ملق الاماء و غمز الاعداء»؛ شما رفتارتان، زیانتان با دلتان یکسان نبود. به خودتان مغرور شدید، خیال کردید ایمان دارید، خیال کردید همچنان انقلابی هستید... در حالی که واقع قضیه این نبود. نتوانستید از عهده مقابله با فتنه بر بیایید، نتوانستید خودتان را نجات دهید... با بی بصیرتی، با

www.qudsonline.ir
دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۴
۲۴ صفر ۱۴۴۷
۱۸ آگوست ۲۰۲۵
سال سی و هشتم
شماره ۱۰۲۲۰

زمین، دریا، هوا و فضا به اوج رسید و دو کشور که خود را ابرقدرت می‌دانستند، بر این باور بودند که صلاحیت مدیریت جهان را دارند و در نزاع میان کشورهای ضعیف‌تر با هدف تأمین منافع خود وارد می‌شدند. در طول این مدت، تا زمان فروپاشی نظام مارکسیستی در شوروی، آمریکایی‌ها برای ضربه‌زدن به منافع روس‌ها از هیچ اقدامی کوتاهی نکردند و روس‌ها نیز با هدف بر هم‌زدن برنامه آمریکایی‌ها، عملاً به نفوذ در اقصی نقاط جهان مشغول بودند.

■ **آخرین برگ از یک پرونده**

به نظر می‌رسد فروپاشی شوروی، آمریکایی‌ها را به این نتیجه رساند که رقیب سنتی جنگ سرد را از دست داده و به یک‌ه‌تاز میدان تبدیل شده‌اند؛ اما روس‌ها به‌ویژه پس از کنار رفتن بوریس یلتسین و قدرت گرفتن ولادیمیر پوتین نشان دادند می‌توانند بر مدریک شوروی سابق، بنای قدرتمندی بسازند؛ زیرساخت‌ها حفظ شد و حکومت با وجود پذیرش تفکرات شبه‌لیبرالیستی، به‌عنوان تافته جدابافته از غرب باقی ماند. در دو دهه اخیر، این نزاع در ابعاد گوناگون بالا گرفته‌است. فروپاشی شوروی و اضمحلال پیمان نظامی «ورشو» که در برابر «ناتو» علّم شده بود، روسیه را در معرض یک هجوم خزنده نظامی قرار داد. آن‌ها کوشیدند از طریق ایجاد روابط با قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران و جهانی مانند چین، فضای بیشتری برای تکانپو یخرند. این اقدام ظاهراً موفقیت‌آمیز بوده‌است. پوتین در دیدار اخیر خود با ترامپ، عملاً و با استفاده از نمادها، مانند پهرانی با مارک شوروی بر تن لاوروف، حاضر شدن بر مزار خلبانان روس در آلاسکا که در راه انتقال تسلیحات به شوروی جان باخته بودند و حتی استفاده از عبارت «فاصله ۴ کیلومتری مرز آلاسکا تا روسیه» کوشید در برابر آمریکا که برای به رخ کشیدن برتری اش در تاریخ روابط، همه چیز را به میدان آورده‌بود، بایستد. آن‌ها با وجود کنار گذاشتن مارکسیسم، در این نشست خود را میراث‌دار غلبه‌های شوروی بر آمریکا معرفی کردند و با پیش کشیدن این موضوع، به یادآوری روزهای خراب ابرقدرت بودن خود پرداختند و تلویحاً نشان دادند از همان قدرت برخوردارند. پیشهاد برگزاری نشست بعدی ترامپ و پوتین در مسکو، به نوعی فاصله هزار کیلومتری میان این شهر با محل نخستین نشست و گستردگی خاک روسیه را به ذهن متبادر می‌کند. در طول تاریخ روابط میان روسیه و آمریکا چنین صف‌آرایی منطبق با شواهد تاریخی، سابقه ندارد. به نظر می‌رسد رفتار روس‌ها در این زمینه کاملاً آگاهانه بوده‌است و اکنون آمریکایی‌ها در نشست بعدی در کرملین، چیزی برای عرضه در این زمینه ندارند؛ حال آنکه اصلاً بعد نیست روس‌ها با برپایی رژه‌ای بزرگ در میدان سرخ، قدرت تاریخی و تسلیحاتی خود را پیش روی ترامپ قرار دهند، حتی اگر رئیس‌جمهور خوششifte آمریکا در آن برنامه حاضر نشود و بدون مقدمه نشست را ترک کند.

www.qudsonline.ir
دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۴
۲۴ صفر ۱۴۴۷
۱۸ آگوست ۲۰۲۵
سال سی و هشتم
شماره ۱۰۲۲۰

تاریخ مشروطیت

«مشروع خواهان» به دنبال «آلترناتیو مشروطیت»

گروه تاریخ | اگرچه مشروع‌خواهی با نام شهید شیخ فضل‌الله نوری گره‌خورده، اما واقعیت این است ایده مخالف بودن مشروطیت با برخی موازین شرعی، تنها به رساله «حرمت مشروطه» شیخ فضل‌الله محدود نمی‌شود. علمایی که در نزاع با مشروطه‌طلبان از شهر و دیار خود رانده شدند، انگیزه‌های زیادی برای مخالفت با مشروطیت داشتند؛ سید ابوطالب زنجانی، محمدحسین تبریزی، علی لاهیجی و نجفی نمرندی ازجمله رساله‌نویسانی بودند که با تألیف نوشته‌هایی علیه مشروطیت، مخالفت خود را با ظهور نهاد‌های گرت‌برداری شده از غرب در ایران آشکار کردند. با

این حال، این رساله‌ها تنها جنبه انتقادی نداشت و از موضع ایجابی نیز به ارائه توضیح نظام سیاسی مطلوب خود، یعنی نظام مشروطه، مبادرت می‌ورزید. براساس تلقی مشروطه‌خواهان از نظام سیاسی مشروطه، در این نظام نمی‌توان تقویت دولت و قوای نظامی و

در نتیجه، حفظ کبان اسلام و مسلمین را انتظار داشت؛ چراکه تفکیک قوا، تقسیم وظایف میان ارکان گوناگون و سرشکن کردن قدرت در میان گروه‌های مختلف، تنها سبب ضعف و زوال دولت اسلامی می‌شود و زمینه را برای سیطره کفار فراهم می‌کند. نویسنده «تذکره الغافل» در این‌باره می‌نویسد: بر همه واضح است تعرض به امور دینی و اعتقادی، مقدمات اضمحلال دولت اسلامی و برخلاف مقتضای حکومت اسلامی است. شیخ فضل‌الله نوری اصطلاح «مشروع» را به معنای مطابقت با شریعت به کار می‌برد و منظور نظامی حقوقی بود که در نهایت بر وحی و اراده الهی مبتنی باشد. در نظام آلترناتیوی که مشروع‌خواهان پیشنهاد می‌کردند، حاکمیت در امور سیاسی و اجتماعی به دو حوزه شرعیات

شناختن فضا، با تشخیص ندادن حق و باطل، کرده‌های خودتان را، گذشته خودتان را باطل کردید. ظاهر ایمان، دهان پر از ادعای انقلابی‌گری؛ اما باطن، باطن پوک، باطن بی مقاومت در مقابل بادهای مخالف. این، آسیب‌شناسی است».

(بیانات رهبر معظم انقلاب – ۸۹/۲/۱)

گزارش تاریخی

چرا طرح اولیه آمریکایی‌ها شکست خورد؟

اسرار شکست کودتای ۲۵ مرداد



گروه تاریخ | ۲۵ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سه روز سرنوشت‌ساز در تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود. شاید کمتر نمونه‌ای را بتوان در دنیا پیدا کرد که در یک بازه سه‌روزه، دو کودتا با شرایط و بازیگران یکسان، اما در شکلی متفاوت رخ داده و نتایج مختلفی از آن حاصل شده باشد. اما این اتفاق در مرداد ۱۳۳۲ در ایران رخ داد؛ روز ۲۵ مرداد کودتا علیه دولت مصدق ناکام ماند، اما روز ۲۸ مرداد موجب سقوط دولت وی شد. در کودتای ۲۵ مرداد یا به تعبیر انگلیسی‌ها «عملیات چکمه»، مانند کودتای ۲۸ مرداد یا به تعبیر آمریکایی‌ها «عملیات آژاکس» محور اصلی، شخص شاه و دربار بود. شاید نخستین دلیل شکست کودتای ۲۵ مرداد را بتوان در ساده‌انگاری و تقلیل اهمیت امور از سوی کودتاچیان یافت. درواقع برنامه یا «پلن A» برای برکناری مصدق، بیش از حد ساده‌انگارانه بود و این ساده‌انگاری، در شکل کودتا نیز خود را نشان داد؛ به این معنا که تصور می‌کردند با ابلاغ برکناری مصدق از نخست‌وزیری، وی نیز به‌راحتی از آن تمکین می‌کند؛ اما مصدق درحالی که همان «پیژانه تاریخی» خود را بر تن داشت، حکم را دریافت کرد و آن را «غیرقانونی» خواند و حاضر به تمکین از آن نشد. واقعیت آن است کودتای ۲۵ مرداد از اساس دارای «ایراد فرمی» بود؛ کودتاچیان وقت چندانی برای طراحی آن اختصاص ن داده بودند و دقیقاً به دلیل همین مسئله بود که بلافاصله پس از شکست در کودتا نیز درصدد مصالحه با دولت مصدق برآمدند. هرچند همین افراط در ساده‌انگاری امور را مصدق و یارانش نیز پس از کودتای نافرجام داشتند و ماجرا را تمام‌شده تلقی کردند. عامل دیگری را که شاید بتوان در زمره دلایل نافرجام مانند کودتای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ برشمرد، اطلاع قبلی مصدق و یارانش، حتی از جزئیات شکل‌گیری و نحوه اجرای کودتا بود. سه گروه گارد سلطنتی از سوی کودتاچیان از مقر خود در باغ شاه خارج شده بودند و نصیری با همراهی یک خودرو زرهی، دو دستگاه جیب و دو کامیون نظامی مملو از سربازان مسلح، به سوی منزل مصدق حرکت کرد. اما وقتی نصیری به محل اقامت مصدق رسید، خود را در برابر نیرویی قوی‌تر دید. ظاهراً دکتر مصدق از طریق نورالدین کیانوری و حزب توده، درباره نقشه کودتا اطلاعات دقیقی بدست آورده بود و آمادگی لازم را برای برخورد با آن‌ها داشت. با این حال، برخی بر این باور هستند که کودتای نافرجام ۲۵ مرداد، ماکت طرحی بود که در ۲۸ مرداد، شکل نهایی خود را بروز داد؛ برخی نیز کودتای نافرجام ۲۵ مرداد را مصداق «سنگ مفت؛ جنشک مفت» می‌دیکار. انگلیس و دربار تلقی می‌کنند، اما شاید نگاه واقع‌بینانه این باشد که کودتاچیان و به‌ویژه آمریکایی‌ها، از شکست در کودتای ۲۵ مرداد درس گرفتند و زمینه را برای موفقیت نهایی در ۲۸ مرداد فراهم کردند.

تاریخ معاصر

فراماسونی که وزیر شد

گروه تاریخ | منوچهر اقبال ۲۰مهر ۱۲۸۸ ه.ش در مشهد به دنیا آمد. پدر او حاج مقبل السلطنه خراسانی در آذر ۱۳۰۴ عضو مجلس مؤسسانی بود که انتقال سلطنت را به رضاخان سردار سپه تأیید کرد. منوچهر اقبال تحصیلات ابتدایی را در مشهد و تحصیلات متوسطه را در مدارس ثروت و دارالفنون تهران به پایان برد. اقبال در ۱۳۰۵ عازم اروپا و در سال ۱۳۱۱ به‌عنوان متخصص امراض عفونی از دانشگاه پزشکی پاریس دانش آموخته شد. وی در همین سال با یک دختر مسیحی فرانسوی ازدواج کرد. منوچهر اقبال پس از بازگشت به ایران، نشان درجه ۴ علمی گرفت و در مهر ۱۳۱۲ به خدمت سربازی رفت. با صعود رزم‌آرا به نخست‌وزیری، اقبال به کابینه راه‌نیافت و توسط شاه به‌عنوان استاندار آذربایجان، راهی این خطه شد. در دوران دولت دکتر مصدق، اقبال متصدی شغلی نبود و تنها در دانشگاه تدریس می‌کرد. او پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به تهران بازگشت و به دستور شاه، سناتور شد و در ۱۸ دی ۱۳۳۳ ریاست دانشگاه تهران را به‌عهده گرفت. وی در ۱۲ خرداد ۱۳۳۵ وزیر دربار شد. منوچهر اقبال در ۱۵ فروردین ۱۳۳۶ پس از حسین علا به نخست‌وزیری رسید.

دولت اقبال به‌سرعت به‌عنوان یک دولت مطیع شاه شهرت یافت. روی کار آمدن وی در نتیجه نارضایتی مقامات آمریکایی از دولت علا بود. تأسیس حزب ملیون به امر شاه و به دبیرکلی اقبال، تشکیل کنفرانس پیمان سنتو به ریاست شاه در تهران، مذاکره با رژیم صهیونیستی برای ایجاد رابطه «دو فاکتو» و شناسایی

این رژیم و حمله تبلیغاتی جمال عبدالناصر به ایران و قطع روابط سیاسی تهران و قاهره ازجمله رویدادهای دوران نخست‌وزیری منوچهر اقبال بود. اقبال در آبان ۱۳۴۲ به‌عنوان مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران منصوب شد. او تا آخر عمر در این پست باقی ماند و در آذر ۱۳۵۶ درگذشت.